

# تذکرہ خاوری

یا

خاتمہ روزنامچہ ہمایون

تألیف

فضل اللہ حسینی شیرازی خاوری  
(بہ سال ۱۲۵۴ ھ.ق.)

بہ تصحیح  
میر ہاشم محدث

زنگان

۱۳۷۹

## به نام خداوند بخشنده و مهربان

تذکره خاوری رساله‌ای است در شرح احوال فتحعلی شاه قاجار، زنان، فرزندان، نوه‌ها، عمه‌ها و عموزاده‌های او.

این کتاب در سه باب است:

باب اول در دو فصل:

فصل اول: در ذکر شمایل موزون آن برگزیده خالق بی چون.

فصل دوم: در ذکر اخلاق و اطوار و رفتار آن پادشاه.

باب دوم: در سه فصل:

فصل اول: در ذکر اسامی اولاد ذکور بلافصل که تا هنگام وفات او دو نفر از ایشان

متوفی و پنجاه و پنج نفر در قید حیات بوده‌اند.

فصل دوم در ذکر دخترهای فتحعلی شاه (۴۶) نفر.

فصل سوم: در ذکر زنان فتحعلی شاه قاجار (که چون تعدادشان فراوان بوده فقط

به ذکر سی نفر از ایشان پرداخته شده است). در ذیل این فصل از هشت نفر از زنان

رامشگر و مطربه نیز ذکر شده است.

باب سوم: در ذکر نوه‌ها و عموها و عمه‌ها و عموزاده‌های فتحعلی شاه قاجار در

سه فصل:

فصل اول: در ذکر نیایی که از صلب شاهزادگان ذکور به عرصه عالم ظهور

آمده‌اند.

فصل دوم: در ذکر نیایی که از بطن اولاد اناث به دنیا آمده‌اند.

فصل سوم: در ذکر اسامی و احوال برادر و عموها و پسرعموها و سایر خویشان

و منسوبان آن شاه.

شرح حال میرزا فضل الله خاوری شیرازی در اکثر تذکره‌های بعد از او بصورت رونویس از روی یکدیگر نوشته شده. برای اطلاع خوانندگان محترم، شرح حال او از طرائق الحاق<sup>(۱)</sup> نقل می‌گردد:

"آقا میرزا فضل الله خاوری شیرازی چنانچه در تذکره دلگشا نوشته از شیراز رخت به جانب طهران بست و در آنجا با بزرگانش نشست و برخاست دست داد و در خدمت میرزا شفیع مازندرانی - که وزیری بود فلاطون ضمیر و دبیری عطارد نظیر - راه و اعتباری یافته محل اعتماد گردید و به تحریر رسائل و تسطیر فرمایشات او مشغول گشت و رفته رفته معروف حضرت شاهنشاهی و منظور رافت ظل اللهی گردید، و بعد از فوت میرزا شفیع بر حسب امر اقدس شهریار به وزارت شاهزاده همایون میرزا متخلص به "حشمت" والی نهاوند برقرار گردید.

از بدایت سن، اختر سخن را طبعش خاور و خاور فکرت را ضمیرش اختر، صاحب دیوان است و در قصیده سرائی استاد و در مجمع الفصحا ترجمه او مسطور و از آن جمله او را تاریخی است در دولت قاجاریه تا خاقان صاحبقران برنگاشته و نام آن را "ذوالقرنین" گذاشته. در فارس نامه ناصری مذکور است که در حدود سال هزار و صد و نود و اند در شیراز متولد شده بعد از کسب کمالات، ندیم مخصوص حسینعلی میرزا فرمانروای فارس گردید پس از آن مسافرت به جانب طهران نمود...".

علاوه بر تذکره حاضر، از خاوری شیرازی دو اثر برجسته دیگر باقی ماند است: یکی دیوان او معروف به "مهر خاوری"، دیگری تاریخ معتبری به نام "تاریخ ذوالقرنین" که یکی از تواریخ معتبر عصر قاجار است.

تاکنون دو کتاب در مورد فرزندان فتحعلی شاه چاپ شده که عبارتند از تاریخ عضدی و بخشی از ناسخ التواریخ که به این/موضوع پرداخته است. تألیف تاریخ عضدی ۱۳۰۵ و ناسخ التواریخ ۱۲۷۱ است در حالی که این تذکره در سال ۱۲۵۴ نوشته شده یعنی ۵۱ سال قبل از تاریخ عضدی و هفده سال قبل از ناسخ التواریخ. مؤلف در چندین مورد کتاب خود را "خاتمه روزنامه‌ی همایون" نامیده است. تذکره خاوری در زمان محمد شاه قاجار (جلوس ۱۲۵۰ فوت ۱۲۶۴) نگارش یافته و خطبه کتاب به نام اوست.

خاوری در چندین مورد از این کتاب به کم‌خردی و سبک‌مغزی شاهزادگان قاجار اشاره می‌کند. افراد نالایقی که متأسفانه سرنوشت کشور و مردم ما به مدت ۱۵۰ سال در دست ناتوان آنان بود. همان ۱۵۰ سالی که دنیا داشت بطرف جلو می‌رفت و ما نه تنها درجا می‌زدیم بلکه قرن‌ها به عقب بازگشتیم. افسوس که ...

باری این اشارات چنین است: "مدتی حقیر اسیر پنجه تربیت او (همایون میرزا) بودم و در بدیهیات امور بجز مهملات و مجملات حرفی دیگر از وی نمی‌شنودم. جمودت و بلادتش عجیب است" (۱). و "نواب معزی‌الیه (الله‌قلی میرزا پسر محمدرولی میرزا) را پدر والاگهر در ایام ایالت دارالعباده یزد به سببی تهمتی که زده بودند روزی در سلام عام مخاطب و معاتب نمود و شخص پهلوان حاضری را به اذیت او امر فرمود و او با قوتی هرچه تمامتر مشت‌های چند استوار بر فرق او نواخت که از صدمه آن مشت سندان‌کوب، مغز پسر را نیز چون مغز پدر پریشان ساخت" (۲). و "حسنی که دارد (اسماعیل میرزا پسر محمد ولی میرزا) همواره در مذمت پدر مشغول است و این شیوه نامعقول از وی بغایت مقبول" (۳). و "وقتی در دارالخلافه طهران پدر نامهربان، او را (هادی خان پسر محمد ولی خان) به تهمت شراب، طناب انداخت و یک سر طناب را خود گرفته به کشش و کوشش پرداخت. خیل نسوان اندرون، مردانه وار قدم پیش گذاشتند و شوهر ناپسند را مورد طعن و ضرب نموده طناب از گلوی آن جوان برداشتند" (۴).

اشعار فراوانی از خود خاوری در این کتاب آمده است.

مؤلف در صفحه ۱۳۵ این کتاب به تاریخ تألیف آن چنین اشاره می‌کند: "در این سال که سنه یک‌هزار و دویست و پنجاه و چهار هجری است..."

خاوری شیرازی چندین مرتبه در تذکره خاوری به "تاریخ جدید" خود اشاره می‌کند که احتمالاً همان کتاب ذوالقرنین اوست. چون تاریخ ذوالقرنین در دو جلد است. جلد اول آن تاریخ ده ساله اول سلطنت فتحعلی شاه قاجار است که در سال ۱۲۴۹ (یعنی پنج سال قبل از تألیف تذکره خاوری) تألیف شده و جلد دوم تاریخ ده ساله دوم سلطنت همان شاه است که در ۱۲۶۳ (یعنی نه سال پس از تألیف تذکره خاوری) نوشته شده. بنابراین احتمال دارد که تاریخ جدید، همان تاریخ ذوالقرنین

۲. ص ۱۰۳.

۱. ص ۲۷.

۴. ص ۱۰۶.

۳. ص ۱۰۵.

باشد.

اما سه دلیل مرا به تصحیح و چاپ این تذکره واداشت:

۱. نداشتن شعر. تذکره خاوری از معدود تذکره‌هایی است که شعری از صاحبان ترجمه نیاورده.

۲. قلت نسخ خطی.

۳- قلت منابع درباره فرزندان فتحعلی شاه. چون درباره فرزندان فتحعلی شاه متأسفانه بیش از چند مأخذ وجود ندارد که فقط دو سه‌تای آنها چاپ شده. بنابراین تذکره فعلی با وجود حجم کم، اطلاعات فراوانی راجع به افراد این خاندان را داراست.

به خاطر همین نیاز بود که یکی دیگر از این دست منابع "گلشن محمود" تألیف محمود میرزا قاجار پسر چهاردهم فتحعلی شاه هم توسط بنده تصحیح شده و در حال چاپ است.

مناسب دیدم فصلی را هم که محمد تقی سپهر در ناسخ التواریخ راجع به زنان و فرزندان فتحعلی شاه قاجار نوشته به این کتاب بیفزایم تا برای کسانی که به تحقیق در تاریخ عصر قاجار می‌پردازند دسترسی به هر دو کتاب میسر باشد.

نسخه خطی ظاهراً منحصراً که از این رساله وجود دارد متعلق است به کتابخانه ملی ملک که به شماره ۳۸۷۵ در آن کتابخانه نگهداری می‌شود. کتابت این نسخه همزمان مؤلف است و در ۸۴ برگ ۱۷ سطری است. از دوست عزیزم جناب آقای اکبر ایرانی که عکس این نسخه را در اختیارم قرار دادند سپاسگزارم و از مسئولین محترم و بزرگوار کتابخانه ملی ملک که همیشه لطفشان شامل حالم بوده است ممنونم. از ناشر محترم جناب آقای مهدی افضلی که همت به چاپ این کتاب فرمودند متشکرم.

تهران فروردین ماه ۱۳۷۸

میرهاشم محدث

## فهرست مندرجات

|                                                           |     |
|-----------------------------------------------------------|-----|
| پیشگفتار .....                                            | خ   |
| متن کتاب .....                                            | ۱   |
| باب اول: در ذکر شمایل موزون و اخلاق حسنه آن شهریار .....  | ۲   |
| فصل اول: در ذکر شمایل آن برگزیده خالق بی چون .....        | ۲   |
| فصل دوم: در ذکر اخلاق حمیده و صفات پسندیده آن حضرت .....  | ۳   |
| باب دوم: در باب اولاد بلافصل و زوجات آن شاهنشاه .....     | ۱۳  |
| فصل اول: در ذکر اسامی اولاد ذکور بلافصل .....             | ۱۳  |
| فصل دوم: در ذکر صبا یای شاهنشاه .....                     | ۴۱  |
| فصل سیم: در ذکر زوجات فتحعلی شاه .....                    | ۶۳  |
| باب سوم: در ذکر نبایر فتحعلی شاه .....                    | ۸۴  |
| فصل اول: در ذکر نبایر از صلب فرزندان ذکور .....           | ۸۴  |
| فقره اول: در ذکر احوال فرزندان عباس میرزا .....           | ۸۵  |
| فقره دوم: در ذکر اولاد علیشاه ظل السلطان .....            | ۹۲  |
| فقره سوم: در ذکر احوال اولاد محمد قلی میرزا دولتشاه ..... | ۹۵  |
| فقره چهارم: در ذکر اولاد محمد قلی میرزا ملک آرا .....     | ۹۹  |
| فقره پنجم: در ذکر اولاد محمد ولی میرزا .....              | ۱۰۳ |
| فقره ششم: در ذکر اولاد حسینعلی میرزا .....                | ۱۰۸ |
| فقره هفتم: در ذکر اولاد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه .....   | ۱۱۳ |
| فقره هشتم: در ذکر اولاد حسام السلطنه محمد تقی میرزا ..... | ۱۱۵ |
| فقره نهم: در ذکر اولاد علینقی میرزا رکن الدوله .....      | ۱۱۸ |
| فقره دهم: در ذکر اولاد امامیردی میرزا ایلخانی .....       | ۱۲۰ |
| فقره یازدهم: در ذکر اولاد شیخعلی میرزا شیخ الملوک .....   | ۱۲۱ |
| فقره دوازدهم: در ذکر اولاد عبدالله میرزا دارا .....       | ۱۲۵ |

- فقرة سیزدهم: در ذکر اولاد محمد رضا میرزا افسر ..... ۱۲۷
- فقرة چهاردهم: در ذکر اولاد حیدر قلی میرزا خاور ..... ۱۲۹
- فقرة پانزدهم: در ذکر اولاد محمود میرزا ..... ۱۳۰
- فقرة شانزدهم: در ذکر اولاد همایون میرزا ..... ۱۳۴
- فقرة هفدهم: در ذکر اولاد احمد علی میرزا ..... ۱۳۶
- فقرة هجدهم: در ذکر اولاد جهانشاه میرزا ..... ۱۳۷
- فقرة نوزدهم: در ذکر اولاد اللهویری میرزا ..... ۱۳۸
- فقرة بیستم: در ذکر اولاد اسماعیل میرزا ..... ۱۳۸
- فقرة بیست و یکم: در ذکر اولاد شاهقلی میرزا ..... ۱۳۹
- فقرة بیست و دویم: در ذکر اولاد کیومرث میرزا ..... ۱۴۰
- فقرة بیست و سیم: در ذکر اولاد منوچهر میرزا ..... ۱۴۰
- فقرة بیست و چهارم: در ذکر اولاد بهرام میرزا ..... ۱۴۱
- فقرة بیست و پنجم: در ذکر اولاد هرمز میرزا ..... ۱۴۲
- فقرة بیست و ششم: در ذکر اولاد محمد مهدی میرزا ..... ۱۴۲
- فقرة بیست و هفتم: در ذکر اولاد شاپور میرزا ..... ۱۴۳
- فقرة بیست و هشتم: در ذکر اولاد سلطان ابراهیم میرزا ..... ۱۴۴
- فقرة بیست و نهم: در ذکر اولاد کیقباد میرزا ..... ۱۴۴
- فقرة سی ام: در ذکر اولاد کیخسرو میرزا ..... ۱۴۴
- فقرة سی و یکم: در ذکر اولاد کیکاوس میرزا ..... ۱۴۵
- فقرة سی و دویم: در ذکر اولاد ملک ایرج میرزا ..... ۱۴۶
- فقرة سی و سیم: در ذکر اولاد سلطان مصطفی میرزا ..... ۱۴۷
- فقرة سی و چهارم: در ذکر اولاد سلیمان میرزا ..... ۱۴۷
- فقرة سی و پنجم: در ذکر اولاد سلطان سلیم میرزا ..... ۱۴۷
- فقرة سی و ششم: در ذکر اولاد بهمن میرزا بهاءالدوله ..... ۱۴۸
- فقرة سی و هفتم: در ذکر اولاد سیف الله میرزا ..... ۱۴۸
- فقرة سی و هشتم: در ذکر اولاد فتح الله میرزا شعاع السلطنه ..... ۱۴۹
- فقرة سی و نهم: در ذکر ولد صاحبقران میرزا ..... ۱۴۹
- فقرة چهلم: در ذکر اولاد شاهزادگانی که اولاد ذکور ندارند ..... ۱۵۰
- فصل دویم: در ذکر نبای از بطن اولاد اثاث ..... ۱۵۱
- فصل سیم: در ذکر برادر و اعمام و بنی اعمام و عمه و سایر خویشان فتحعلی شاه ..... ۱۶۶

|     |                                             |
|-----|---------------------------------------------|
| ۱۶۶ | فقرة اول: در ذکر احوال مرحوم حسینقلی خان    |
| ۱۷۰ | فقرة دوم: در ذکر احوال مهدیقلی خان          |
| ۱۷۳ | فقرة سیم: در ذکر احوال مرتضی قلی خان        |
| ۲۷۵ | فقرة چهارم: در ذکر احوال حاجی مصطفی قلی خان |
| ۱۷۹ | فصلی از ناسخ التواریخ                       |
| ۲۲۹ | فهرستها                                     |
| ۲۳۱ | فهرست افراد                                 |
| ۲۵۵ | فهرست جاها                                  |
| ۲۵۹ | فهرست طایفه‌ها                              |
| ۲۶۱ | فهرست شعرها و مصرعها                        |
| ۲۶۳ | فهرست نوشته‌ها                              |





## بسم الله الرحمن الرحيم

خاتمه هر کلام، حمد ملك علامی است که سلطنتش را بدایتی نیست و مملکتش را نهایتی نه. نبوت حقه را به خاتمیت جناب خاتم پیغمبران(ص) ختم ساخت و از ظهور شاهنشاهی عادل و ظل الهی با ذل به ختم سلطنت پرداخت. **لمؤلفه:**

محمد شه نبیره خسرو دوران که می باشد

فلک طیش و ملک جیش و قضا حکم و قدر فرمان

اما بعد چنین گوید بنده احقر فضل الله الحسینی الشیرازی المتخلص به خاوری که از قراری که به کرات در روزنامه دولت روزافزون تحریر یافته این بنده مدحتگزار بر حسب امر صاحبقران مغفرت آثار مأمور بود که خاتمه ای بر آن روزنامه همایون افزایش و این کتاب مستطاب را به ذکر شمایل و آثار و محامد و اطوار و اولاد و نبایر این دودمان عالی مقدار و متعلقان و خویشان و امراء و وزراء دربار سپهر اقتدار و اوضاع و اسباب سلطنت پایدار و سایر ملزومات ایام دولت شاهنشاه مغفرت مدار - نورالله مضجعه - آراید. بعد از آن که الحمدلله و المنة ایوان سلطنت ایران بدون جور و عدوان به وجود فایض الجود شاهنشاه گردون توان